



**سیاستگذاری
برای ۹۰ میلیون نفر**

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون رئیس‌جمهور در یادداشتی نوشت: «برخی همچنان در تحلیل رویدادها و تحولات منطقه و جهان اصالت را به جنگ می‌دهند و هر سخن از گفت‌وگو و مذاکره را فارغ از کم و کیف و جزئیات آن، تکفیر یا تفسیر به ضعف، سازش و انفعال می‌نمایند. نباید فراموش کنیم که تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درباره جنگ یا صلح، نه صرفاً یک انتخاب حاکمیتی که موضوعی مرتبط با زندگی و آینده نزدیک به ۹۰ میلیون نفر ایرانی است.» او در بخش دیگری نوشت: «هدف نهایی حکمرانی، ایجاد امنیت، رفاه و امید برای مردم است. شهدای ما جان خود را فدا کردند تا مردم در آرامش زندگی کنند، نه اینکه کشور همواره در حال جنگ باشد. دیپلماسی هوشمند، راهی برای تحقق این آرمان است؛ راهی که با خون شهدا هموار شده و باید با تدبیر سیاسی ادامه یابد.»



**آمریکا، حمله اسرائیل را
اطلاع داده بود**

سیدمحمد نبویان، نماینده مجلس دوازدهم گفت: «همان شب حمله اسرائیل، رویو با یکی از وزرای کشورهای منطقه تماس گرفت و او نیز به وزیر خارجه ما پیام داد که اسرائیل می‌خواهد حمله کند ولی ما (آمریکایی‌ها) دخالتی نداریم؛ ما را هدف نگیرید.» او ادامه داد: «حتی روز بعد، یعنی صبح یک‌شنبه، دوباره از سوی آمریکایی‌ها پیام آمد که اگر قرار است حمله کنید، بیاید یک پایگاه ما را هم بزنید، ما مشکلی نداریم! انگار می‌خواستند ما را در یک سناریوی نمایشی درگیر کنند. ما به قطری‌ها گفتیم که هدف کجاست، آن‌ها گفتند صبر کنید با آمریکایی‌ها مشورت کنیم، سپس آمریکایی‌ها یک مختصات مشخص فرستادند که فلان پایگاه را بزنید. با این حال اما ما همان پایگاهی را هدف قرار دادیم که خودمان صلاح دیدیم، نه آنچه آمریکا پیشنهاد داد. پایگاه مهم هوایی آمریکا در قطر که از مهم‌ترین مراکز عملیاتی آن‌ها در غرب آسیاست، مورد هدف قرار گرفت.»



ایران متعهد به NPT است

ابراهیم رضایی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی در گفت‌وگو با خانه ملت گفت: «ایران متعهد به معاهده NPT است و قبلاً هم به‌صراحت اعلام کردیم که موضوع تعلیق همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز به معنای خروج از NPT یا مجوز استفاده از سلاح هسته‌ای نیست.» این نماینده در مجلس دوازدهم یادآور شد: «بنابر فرمایشات رهبری کاربرد سلاح هسته‌ای و انواع دیگر سلاح‌های کشتار جمعی همانند سلاح‌های شیمیایی و میکروبی حرام است و ایشان بارها طی سخنرانی‌های رسمی و عمومی خود بر این موضوع تأکید کردند؛ لذا تغییری در دکنترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد نشده است. جمهوری اسلامی ایران همواره منادی صلح بوده و نباید اجازه دهیم که پروژه هسته‌ای کشور در توهم دشمنان به تالش برای تولید سلاح هسته‌ای خلاصه شود؛ جمهوری اسلامی ایران به دلایل اعتقادی دنبال بمب هسته‌ای نیست و این را بارها اعلام کرده است.»

گفت‌وگو با سعید حجاریان نظریه پرداز سیاسی درباره جنگ ۱۲روزه

میهن پرستی بود نه ملی‌گرایی



عکس: کاوه کریمی

حسین رضوی

روزنامه‌نگار

سعید حجاریان، از چهره‌های شاخص اصلاح طلب است که در همه این سال‌ها از او به عنوان مغز متفکر اصلاحات نام برده شده تا جایی که وقتی علی‌عسگر او را در سال ۱۳۷۸ ترور کرد؛ روزنامه‌ها شلیک به او را «شلیک به مغز متفکر اصلاحات» عنوان کردند. او که تجربه تدوین طرح وزارت اطلاعات و به نوعی اندیش ورزی در حوزه امنیت را در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب داشت، در سال‌های پس از ترور وقتی که به مرور وضعیت بهتری پیدا کرد بر فعالیت‌های اندیشه‌ای خود هم در بُعد سیاسی و هم امنیتی از جمله الگوهای امنیت ملی افزود و علاوه بر نگارش کتاب هرازچندگاهی نظراتش را در قالب گفت‌وگو، یادداشت یا مقاله در اختیار رسانه‌ها نیز قرار می‌دهد. در پی جنگ دوازده‌روزه بین ایران و اسرائیل بسیاری از تحلیلگران و سیاستمداران دیدگاه و نظراتشان را درباره جنگ، مباحث امنیتی و سیاست داخلی پس از آتش بس مطرح کردند و حالا روزنامه هم‌میهن در گفت‌وگو با حجاریان به ابعاد مختلف این جنگ و رفتار نیروهای سیاسی و مردم و آنچه به عنوان تقویت ملی‌گرایی مطرح می‌شود پرداخته است. حجاریان در بخشی از این گفت‌وگو تفکیکی از میهن پرستی و ملی‌گرایی را مطرح می‌کند و به موضوع دولت - ملت در کشور ما و ضرورت‌هایی که دولت باید به آن توجه کند؛ اشاره می‌کند و البته در ادامه نیز به تحلیل پروپاگاندا ی اسرائیل، انرژی هسته‌ای و مباحث امنیتی درباره جنگ و دوران آتش بس می‌پردازد. این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

بود نه ملی‌گرایی، یعنی ما با «همبستگی میهن پرستانه» مواجه بودیم. بنابراین اگر مردم مطمئن شوند سایه جنگ دیگر بر سرشان سنگینی نمی‌کند و اوضاع به حالت عادی برگشته است، از آنچه که میان «ملت» و «دولت» افتاده است، دوباره پرونده «ناسیونالیسم ایرانی» روی میز قرار خواهد گرفت. یعنی وقتی دولت قادر نیست کارویژه‌های خود را به‌درستی انجام دهد یا در حوزه‌هایی خود را در برابر مردم تعریف کند، احساسات ملی‌گرایانه و در نتیجه تعلقات ناسیونالیستی فروکش می‌کند.

❖ **چگونه می‌توان این سنخ وضعیت‌ها را که شما ذیل عنوان «میهن پرستی» صورت‌بندی‌اش کردید، از حالت موقت به حالت پایدار درآورد؟ یعنی از وضعیت همبستگی موقعیتی و شکننده خارج شد و به افق بلندمدت و پایدار فکر کرد.**

چنانکه قبلاً گفته‌ام ما هنوز به هر مرحله ملت-دولت نرسیده‌ایم ولی با این حال باید تأکید کرد که اوضاع تماماً تیره و تار نیست. ببینید! ناسیونالیسم، محصول دولتی است که دغدغه ملت‌اش را دارد. اگر توجه کرده باشید زمانی که کمی وضعیت جنگی مبتنی بر تجاوز اسرائیل فروکش می‌کرد، برخی می‌گفتند ممکن است موج بعدی از مرزها و از میان اقوام بر خیزد. این یعنی ما با مسئله ملت-دولت مشکل داریم. یک سؤال می‌پرسم؛ چرا برخی می‌گویند ملت ترک یا ملت کرد اما نمی‌گویند ملت بلوچ؟ پاسخ این است که ترک‌ها و کردها در دوره‌هایی دارای دولت بوده‌اند؛ یعنی علاوه بر پیشینه‌های هویتی منضم به دولت (ولو به‌شکل پوشالی) بوده‌اند اما بلوچ‌ها چنین نبوده‌اند. یعنی بخش‌هایی از ترک‌ها و کردها به‌خاطر تجربه پیشه‌وری یا قاضی محمد و برخی به‌دلیل حس بی‌عدالتی و تبعیض احساس می‌کنند دولت نمایندگی‌شان نمی‌کند و نتیجتاً خود را ملت می‌دانند. می‌خواهم بگویم ملت-دولت یک پازل بزرگ است که در آن به‌واسطه نقش محوری دولت، هر موجودیتی باید سر جای خود قرار بگیرد و چنانچه این پازل به‌درستی چیده نشود، می‌تواند یک سرزمین را به خطر بیندازد. پس، دولت وظیفه دارد در میان مدت با احصاء این شکاف‌ها، درصدد پر کردن‌شان برآید و آشتی ملی پایدار برقرار کند و در یک کلام دل مردم را به‌دست بیاورد. مهندس موسوی هم درباره حمله اسرائیل اطلاعاتی‌ای صادر کرد که در بخشی از آن بر این مسئله تأکید کرده و گفته بود، «هولناک خواهد بود اگر کسانی بارزوپاردازی واکنش جامعه را تأیید بر شیوه حکمرانی ناکارآمدشان بیندارند یا جلوه دهند. چنین اشتباهی ملت را دلسرد و بیگانه را امیدوار خواهد کرد که شاید بار دیگر بتواند خدای ناکرده در سپری که او را ناکام گذاشت، رخنه‌ای بیابد.»

❖ **چنانکه می‌دانیم در پس رویدادهایی نظیر تجاوز و جنگ مسئله «اقتدار» مورد تأمل جدی قرار می‌گیرد و این پرسش طرح می‌شود که اقتدار کشورها پس از حمله چه وضعیتی پیدا می‌کند. پیامدهای این جنگ برای نقش منطقه‌ای ایران و مشخصاً ابتکار عمل آن چه بود؟ این وضعیت و شاید بهتر باشد بپرسم احیاء وضعیت پیشا جنگ چه**

تأثیری بر همبستگی ملی و مشروعیت سیاسی خواهد گذارد؟

اگر شرایط جنگی باشد، نمی‌توان تصور ابتکار عمل جامع داشت زیرا تمرکز، به‌درستی، بر دفع متجاوز و تک و پاتک است. اما اگر شرایط جنگی به پایان برسد، ایران باید درباره نقش منطقه‌ای خود تجدیدنظر کند. ایران می‌تواند در فاز اول، با همسایگان خود علی‌الخصوص کشورهای اسلامی، و در گام بعد دیگر کشورهای شاید بتوان به حداقلی از ارتباطات اقتصادی با جهان امید داشت؛ کمابیش وضعیتی شبیه زمان ریاست جمهوری باراک اوباما. البته، این الگو طرفینی است؛ به این معنا که همه طرف‌ها باید نقش سازنده ایفا کنند. اگر این الگو، که بنیادش بر توسعه و همکاری است، حاکم شود طبیعتاً همبستگی ملی و مشروعیت سیاسی بالا می‌رود. اما، اگر مسیر ضدتوسعه پیش گرفته شود، صرفاً باید به ادوات جنگی فکر کنیم.

❖ **زمانی که فشارهای خارجی به‌وجود می‌آیند و مثلاً تحت عنوان «جنگ» شدت بیشتری می‌گیرند، ناخودآگاه به مسائل و شکاف‌های داخلی توجه بیشتری می‌شود و ایده‌هایی برای گشایش در عرصه عمومی، رسانه‌و... مطرح می‌گردد. حامیان ایده‌های مبتنی بر آزادی و گشایش معتقدند چنین مواردی شروط لازم برای تاب‌آوری ملی هستند و در مقابل، مخالفان قائل به نوعی تفکیک‌اند و اعتقاد دارند این قبیل اقدام‌ها به‌مثابه عقب‌نشینی و اتفاقاً در خدمت پروژه فشار خارجی است. در شرایط فعلی، چه اقداماتی در حوزه سیاست و جامعه می‌توان تجویز کرد که در میانه این دو قطب قرار بگیرد؟ آیا اساساً شما قائل به این «میانه» هستید یا موقعیت طرفین را نابرابر می‌دانید؟**

من معتقدم اگر دولت از روی ترس خارجی به گشایش فضا روی بیاورد، به محض آن که خیال‌اش از خارج آسوده شد همه روزنه‌ها و درزها را خواهد بست. ولی اگر دولت صرفنظر از این که فشار خارجی باشد یا نباشد، صرفاً به‌واسطه ایجاد موازنه داخلی و به‌رسمیت‌شناختن دیگری، گشایش‌هایی را فراهم آورد، امکان بازپس‌گیری آزادی‌ها کمتر می‌شود. طبعاً مسیر دوم - که من موافق آن بوده و هستم - بر تاب‌آوری ملی خواهد افزود. به اعتقاد من تا زمانی که جامعه مدنی قدرت نگیرد، و احزاب و رسانه‌ها قوی نشوند، میانه‌ای به‌وجود نخواهد آمد و اقدامات گشایش‌بخش رنگ‌وبوی رانتی و مافیایی می‌گیرند. مثلاً در زمینه زندانیان سیاسی، من معتقدم باید از ایده‌ای دفاع کرد که از پس آن کلیه پرونده‌های زندانیان سیاسی مختومه اعلام شود. توجه به همه کسانی است که صرفاً به‌خاطر فعالیت سیاسی، نقد، اظهارنظر و امثال این موارد برای‌شان پرونده تشکیل شده و حکم گرفته‌اند. یعنی، کسانی که دست به اسلحه برده‌اند، ترور یا سابوتاژ کرده‌اند، از این دایره خارج هستند. از امروز به بعد هم می‌توان